

## تحلیلی بر تعریف هنر اسلامی و عملکرد آموزشی امروزین آن

مقاله پژوهشی  
اصیل  
Original  
Article

عبدالکریم عطارزاده<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** تلاش پیرامون درک هنر اسلامی و اختصاص واحدهای درسی در مقاطع مختلف تحصیلی، سالهاست مورد توجه، نقد و تحلیل قرار گرفته است. هدف از انجام این تحقیق، ارائه روندی به روزتر برای گسترش آموزش هنر اسلامی در فضاهای دانشگاهی و هنری کشور بود. با این پرسش که: دروس رشته هنر اسلامی، حول کدام موضوعات بوده و برای توسعه آن چه رویکردی فراگیرتر است؟ **روش:** روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی نگر بود. **یافته‌ها:** یافته تحقیق حاضر، درک تعاریف دوگانه هنر اسلامی (تاریخی و تاریخی-مفهومی) بود که سرفصلهای درسی آن، بیشتر حول نگرش تاریخی و احیای هنرهای سنتی می‌چرخید. **نتیجه گیری:** بر اساس تعاریف مضمونی، نباید هنر اسلامی صرفاً تغییر نامی برای هنرهای سنتی باشد؛ بلکه گروههای آموزشی هنر اسلامی، در کنار هنرهای سنتی، باید بتوانند هنرهای مدرن امروزی را پوشش دهند و ظرفیتی فراتر از هنرهای سنتی بیابند.

**واژگان کلیدی:** هنر اسلامی، رشته تحصیلی هنر اسلامی، هنرهای سنتی، هنرهای مدرن.

◇ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۶

۱. دکترای باستان‌شناسی دوره اسلامی؛ دانشیار گروه هنرهای اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره. تهران، ایران. نشانی: تهران؛ خیابان آزادی، بین خیابانهای خوش و آذربایجان، نبش کوچه کامیاران، دانشگاه سوره، پلاک ۲۵۲. کد پستی: ۶۶۸۶۰۵۲۳/۱۳۴۵۶۳۳۱۵۱. نمابر: ۰۶۶۸۶۰۵۲۳.

## الف) مقدمه

به گفته نصر (۱۳۷۵: ۷)، هنر اسلامی برای محققان غربی از سده نوزده میلادی و برای مسلمانان تعلیم یافته در غرب در دهه‌های اخیر موضوع تحقیق بوده و به مثابه یک مقوله مستقل هنری، توجه مخاطبان وسیع تری را به خود جلب کرده است. از مهم‌ترین موضوعات قابل بحث در این خصوص، تهیه سرفصل‌های درسی برای رشته جدیدی با نام هنر اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی در دانشگاه‌های کشور بود که در ادامه به دانشکده و سپس دانشگاه با عنوان هنر اسلامی توسعه یافت. پرسش پیش رو در این پژوهش درباره چستی دروس از یک سو و وضعیت شمول رشته‌های تحصیلی هنری در این مجموعه از سوی دیگر است تا مشخص شود روندی که آموزش عالی کشور طی سال‌های اخیر در تعریف و گسترش هنر اسلامی در پیش گرفته، چه محدوده‌هایی از هنرهای موجود در جامعه را در بر گرفته و آیا با توجه به تعاریف ارائه شده برای هنر اسلامی توسط اندیشمندان این حوزه، مسیر طی شده قادر بوده است بر مبنای آن پیش برود؟

اگرچه در خصوص پیشینه و سیر تحول توجه به عبارت «هنر اسلامی»، منابع متعددی در دسترس است؛ اما از آنجا که هدف این پژوهش، ارائه روندی به‌روزتر برای گسترش آموزش هنر اسلامی در فضاهاى دانشگاهی و هنری کشور با توجه به تعاریف امروزی هنر اسلامی است، بحث پیش رو را خاص تر می‌کند. با این رویکرد، مطالب متنوع زیادی مرتبط با موضوع این پژوهش منتشر شده که از جمله آنها می‌توان به مقاله آیت‌الهی (۱۳۸۳/الف) اشاره کرد که طی آن، رویکردهای مختلف نامگذاری آثار هنری دوره اسلامی را معرفی و عبارات مورد استفاده برخی اندیشمندان غربی در این خصوص را نقد کرده و توجه به هنرهای جدید، همچون سینما و هنرهای تجسمی را در رویکردهای جدید هنر اسلامی الزامی دانسته است. رضوان‌فر (۱۳۸۵) هم در پژوهشی پیرامون صنایع دستی و دنیای مدرن امروزی، ضمن برشمردن ویژگی‌های صنایع دستی به صورت سنتی و جایگاه آن در جامعه، وضعیت امروزی تولید آثار هنری را گوشزد کرده و همگام شدن هنرهای سنتی با نیازهای امروزی را برای ادامه حیات آنها واجب دانسته است. کرمی (۱۳۹۶) در مقاله خود ضمن بیان پرسشهایی دقیق درباره تعریف، معنا و چستی هنر اسلامی، با نگاهی فلسفی به معنای زیبایی و هنر، این موضوعات را بررسی کرده که با توجه به نگرشهای فلسفی به هنر و زیبایی‌شناسی، آیا ربط اسلامی به هنر اساساً درست است؟ وی سپس به نتیجه رسیده که اگر هنر اسلامی بتواند از پس معناشناسی و زیبایی‌شناسی برآید و خود را با مفاهیم دینی و قرآنی در این خصوص سازگار

سازد، می‌تواند محملی برای ابراز وجود داشته باشد. رهنما و همکاران (۱۳۹۹) نیز در ارتباط با نوع تصادم هنر اسلامی و فناوری، ضمن بررسی وضعیت هنر اسلامی در گذشته به صورت سنتی، به تحولات چشمگیر فناوری در ترویج هنر اسلامی پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های آنان، اگرچه همواره به نظر می‌رسد که فرهنگ و هنر اسلامی باید از منظر عالم معنوی اسلام مورد توجه قرار گیرد؛ اما در دهکده جهانی دوران معاصر که راهیابی فناوری به ساحت تغییرات اجتماعی در همه جوامع به محرکی در نوآوری‌های فرهنگی بدل شده، به نگرش تازه‌ای در قلمرو هنر اسلامی نیاز است.

چارچوب نظری پژوهش حاضر، نوع نگرش به آثار هنری دوره اسلامی در میان مستشرقین و اندیشمندان مسلمانی است که تلاش آنها برای یافتن تعریف و دیدگاهی عمیق نسبت به تاریخ هنر دوره اسلامی سبب شده دیدگاهشان گاهی جنبه‌ای زمینی گرفته و زمانی نیز سر به آسمان و غیب و ملکوت بساید. این نوع نگرشها به آثار هنر اسلامی، کشف و ضبط و توصیف آثار، بررسی و تحلیل و وصل آنها به کشورها، رسیدن به نکات مشترک هنرهای اسلامی در کشورهای مسلمان و گزینش عنوان هنر اسلامی، مطالعه پیرامون فلسفه و حکمت و عرفان اسلامی، تفسیر آثار هنر اسلامی با رویکردهای حکمی و عرفانی و برشمردن ویژگی‌هایی منحصر به فرد برای این هنر و سیر تحولی توجه به هنر اسلامی را در غرب و سپس سرزمینهای اسلامی نشان می‌دهد. تنوع همین آرا و نظریات در میان اندیشمندان غربی و مسلمان، گوناگونی تعاریف هنر اسلامی را به همراه داشته و این امر، چگونگی توجه به هنر اسلامی را در ایران و به ویژه طی چند دهه اخیر که رشته‌ای با عنوان «هنر اسلامی» در دانشگاهها راه‌اندازی شده، با چالشهای فراوانی روبه‌رو کرده است. هدف این پژوهش، ارائه روندی به‌روزتر برای گسترش آموزش هنر اسلامی در فضاها و دانشگاهی و هنری کشور با توجه به تعاریف امروزی هنر اسلامی است.

### ب) روش و ابزار تحقیق

روش تحقیق از یک سو توصیفی است؛ چون بنا دارد وضعیت امروز مجموعه دروس و نوع آموزش هنر اسلامی را وصف و معرفی کرده و بر اساس مشاهده دروس و مطالعات و پژوهشهای رشته هنر اسلامی، واقعیت امروزی این رشته را بازگو کند و از سوی دیگر تحلیلی است؛ چون به دنبال پیشینه‌یابی و دلایل انتخاب دروس مذکور بر اساس آرای ارائه شده در زمینه هنر اسلامی در چند دهه اخیر است. پس از نقد نگرشهای امروزی به آموزش هنر اسلامی، ارائه راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت امروز پیشنهاد می‌شود. رویکرد تحقیق،

کمیت گرا نیست؛ بلکه به دنبال مطالعه مدلهای کیفی ارائه شده و طبقه‌بندی آنها بر اساس اهمیت دیدگاههای مذکور است. ابزار تحقیق، کتابخانه‌ای است تا با خوانش آرا و نظریات اندیشمندان مختلف در سده اخیر و مطالعه سرفصلهای درسی، اطلاعات لازم به دست آید و بر اساس آنها تحلیل و ارائه راهکار صورت گیرد. لذا پرسش پیش رو این است که دروس رشته هنر اسلامی، حول کدام موضوعات است و برای توسعه آن چه رویکردی فراگیرتر است؟

### ج) یافته‌ها

#### ۱. مفهوم هنر اسلامی با نگرش به آثار هنری در دوره‌های تاریخی اسلام

اگرچه تعاریف مرتبط با هنر اسلامی برای پرداختن به آثار هنری طی چهارده قرن در سرزمینهای اسلامی متنوع است، اما با توجه به رویکرد نویسندگان تاریخ هنر، می‌توان آنها را در دو دسته تاریخی و مفهومی - تاریخی به شرح ذیل جا داد:

**یک) تعریف تاریخی هنر اسلامی:** از نظر تاریخی، منظور از هنر اسلامی، «تمامی آثار هنری اعم از نمایش، شهرسازی، معماری، هنرهای سنتی، صنایع دستی، موسیقی و مانند آنهاست که از ابتدای ظهور اسلام تا کنون در سرزمینهای اسلامی و زیر قیمومت سلسله‌ها و حاکمان مسلمان ساخته شده است». این تعریف می‌تواند ویژگی‌های ذیل را داشته باشد:

- شامل تمامی سرزمینهایی است که طی قرن‌ها تا کنون مسلمان‌اند یا سرزمینهایی که برای مدتی تحت سیطره حکومت‌های اسلامی قرار داشته‌اند. به همین دلیل، الرفاعی (۱۳۷۷: ۹-۱۲) هنر اسلامی را در بر دارنده رشته‌های هنری امپراتوری گسترده‌ای دانسته که دامنه آن از چین و ترکستان در شرق تا اسپانیا و دورترین کوه‌های غرب اقیانوس اطلس را در بر می‌گرفت؛ همچنین در بر گیرنده اقوام مختلفی که خود با وجود داشتن تمدن و هنری جداگانه، از روح اسلام تأثیر پذیرفته بودند. اتینگهاوزن و گرابار<sup>۱</sup> (۱۳۷۸: ۱)، اطلاق اسلامی را به هنر، ویژه اقوامی دانسته‌اند که زیر نظر حکام مسلمان می‌زیسته‌اند یا در فرهنگها و جوامعی زندگی می‌کرده‌اند که به شدت متأثر از اندیشه اسلامی بوده‌اند.

- منظور از آثار هنری در این تعریف، تمامی ساخت و سازهای هنری است، خواه حاوی ارزشهای اسلامی باشد یا نباشد؛ مانند توصیف و تحلیل کاخها، مجسمه‌ها، انواع موسیقی، نقاشی‌های دیواری و وسایل مجالس لهُو و لعب در هنر و معماری دوره امویان و عباسیان؛ یا

---

1. Richard Ettinghausen & Oleg Grabar

نقوش مجالس رقص و آواز و باده‌گساری، شکار پادشاه، عشاق، انواع جواهرات و زیورآلات طلائی و قیمتی و تجملی پادشاهان دوره صفوی.

- چون جنبه تاریخی در این تعریف مد نظر است، معمولاً مباحث هنر اسلامی از ابتدای اسلام آغاز شده و تا قبل از دوره معاصر ادامه می‌یابد و دوره معاصر در سرزمینهای اسلامی کمتر مورد توجه است.

- برای اطلاع بیشتر از مفهوم تعریف فوق به نمونه‌های زیر اشاره می‌شود: «کاخ کوچک عمره که توسط ولید اول اموی در اوایل سده نخست هجری ساخته شد، عشرتکده و حمامی دارد با تصاویری از الهه‌های پیروزی، فلسفه، تاریخ و شعر، زنان عریان در حال استحمام، رقصه‌ها و مطربان. در کاخ عباسیان در سامرا تصاویری از زنان رقصه و خواننده با آلات موسیقی موجود است» (الرفاعی، ۱۳۷۷: ۹۰-۸۹). یا «در قرون پنجم و ششم هجری در حکومت عباسیان، هنرهای دیگری از جمله موسیقی غنایی پشت پرده‌ای هم رواج داشت که خلفا و امرا از آن لذت می‌بردند؛ به این ترتیب که یک نفر به نام پرده‌دار مسئولیت این پرده را بر عهده داشت» (هیلن براند، ۱۳۸۳: ۳۵).

- این دیدگاه نسبت به تعریف یا استفاده از عنوان هنر اسلامی سبب شده است تا در پژوهشهای دو سده اخیر، برخی به جای «هنر اسلامی»، از عنوان «هنر حکومتها یا سلسله‌های پادشاهی»، «هنر سرزمینها» یا «هنر در دوره زمانی خاص» استفاده کنند. برای نمونه، احسانی (۱۳۶۸) عنوان کتاب خود را «هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران» نام نهاده و با ورود به دوره اسلامی، از عبارات هنر فلزکاری در دوران سامانیان، سلجوقیان و مانند آنها استفاده کرده است. عباسیان (۱۳۷۹) نیز در کتاب «تاریخ سفال و کاشی در ایران»، دوره دوم را با عبارت «ابتدای اسلام تا انتهای حکومت صفویان» و دوره سوم را با عبارت «ایران عصر جدید» معرفی کرده است. در میان مورخان هنر اسلامی، اندیشمندانی همچون آندره گدار و الگ گرابار، هنر اسلامی را با روش تاریخی نگریسته و تلاش کرده‌اند تا رد پای اسلوب، فرم و قالبهای هنر اسلامی را در دیگر تمدنها پی بگیرند. (موسوی گیلانی، ۱۳۹۶: ۳۰).

این تعریف، منتقدان فراوانی نیز دارد؛ مظلومی (۱۳۶۰: ۵۸-۵۹) اعتقاد دارد آنچه به عنوان هنر اسلامی در کتابها آمده است، به هیچ وجه نمایش اسلامی ندارد یا آغداشلو (۱۳۸۳: ۱۳) که اطلاق عنوان «نقاشی اسلامی» به اندامهای برهنه کاخ موسوم به «خربه‌المفجر» در سامرا و نگارگری بی نظیر «معراج» اثر سلطان محمد نقاش را یکسان و درست ندانسته است.

**دو) تعریف تاریخی - مفهومی:** منظور از هنر اسلامی با نگرش تاریخی - مفهومی، آثار شهرسازی، معماری و سایر هنرها در کشورها و دوره اسلامی است که با تبعیت از آموزه‌های فلسفه، حکمت و عرفان اسلامی به وجود آمده و مبین مفاهیم و معنویات اسلامی در آن آثار است. در ارائه این تعریف، نجیب اوغلو (۱۳۷۹: ۱۱۴) معتقد است که «مؤلفان جشنواره جهان اسلام»<sup>۱</sup> بسیار مایل بودند بر تزینات اسلامی، معانی عرفانی را نسبت دهند. همچنین به نقل از بمانیان (۱۳۸۲: ۷۹)، از تفاوت‌های عمده با دوران قبل، پیدایش نگرش معنوی در معماری دین‌باور است که بر اساس آن، عناصر و جزئیات بنا با دیدگاهی جوهری و باطنی به نقش درآمده و معماران دین‌باور بر اساس اصل توحید، از اصول مفهومی واحد در آثار خود بهره گرفته‌اند. آغداشلو (۱۳۸۳: ۱۴) نیز ضمن بیان این دیدگاه، آورده است که هنر اسلامی در حوزه‌هایی شکل گرفته که معنای جهان و انسان در تبیینی قطعی، از طریق قرآن و سنت، تنظیم و تعریف شده است. به باور بورکهارت (۱۳۹۳)، هنر اسلامی دارای صورت و ماده و به تعبیر دیگر؛ حکمت و تکنیک است و توجه به حکمت برای درک معانی متافیزیکی، امری ضروری است. وی در عین اعتقاد به تأثیرپذیری مسلمانان از تکنیک سایر ملتها، معنا را نتیجه آموزه‌های دینی دانسته است.

شاید به نظر بیاید تعریف تاریخی - مفهومی، به این دلیل که هر دو وجه هنر یعنی تاریخ و مفهوم را در بر دارد، بهترین باشد؛ اما نگرش دامنه‌دارتر به این گونه تعاریف، نکاتی را گوشزد می‌کند. اینکه نگرش تاریخی در این تعریف کمتر دیده شده و ریزبینی‌هایی که در تعریف تاریخی منجر به تقسیم‌بندی‌های متنوع و بسیار گسترده شده، در تعریف تاریخی - مفهومی مورد توجه قرار نگرفته است. برای نمونه، اگر در تعریف تاریخی، گنبد به انواع زیادی تقسیم شده و در هر دوره ویژگی‌های خاصی را به رخ کشانده است، در تعریف تاریخی - مفهومی چنین موشکافی‌ای انجام نشده و گنبد، صرف گنبد بودن بحث شده است. یا در مباحث مربوط به نگارگری، به صورت کلی، رنگها، نقشها، طرحها، الگوها، نمادها، خلاقیتها، تغییرات و مانند اینها، مترتب بر نگرش روزمره و ترتیب تاریخی نیست و تمامی این پدیده‌ها، صرف پدیدار شدن در هنر اسلامی و نه بر اساس ترتیب تاریخی، مورد توجه قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر، گاهی استدلالهای منجر به حضور مفهوم در آثار هنر اسلامی، آن‌چنان قوی و محکم نیست که مخاطب را راضی نگه دارد. به سخن دیگر؛ اسناد و مدارک

۱. مهم‌ترین و نخستین مجمع برای این رهیافت و ظهور رسانه‌ای آن در دنیای هنر، گردهمایی بزرگی با عنوان «جشنواره جهان اسلام» در سال ۱۹۷۶ میلادی در شهر لندن بود.

کافی برای ربط دادن مفاهیم اسلامی با هنرمند و اثرش ارائه نمی‌شود و در مواردی، این استنادها و استدلالها جای خود را به ادبیاتی نغز و وصفهایی زیبا و جذاب می‌دهد که شاید در نوع خود برای مخاطب زیبا باشد، اما چه بسا ذهن کنجکاو و جستجوگر وی را سیراب نکند.

## ۲. نظریات و رویکردهای معناگرایانه امروزین هنر اسلامی

تعاریف دوگانه پیش گفته، وصف و سرگذشت آثاری است که در گذر تاریخ اسلام و میان مسلمانان ایجاد شده و در کنار تاریخ هنر سایر سرزمینها و ادیان، مطالعه شده و می‌شود. در این میان، آنچه امروزه در میان هنرمندان مسلمان، سرزمینها و حکومت‌های اسلامی سخت مورد توجه قرار گرفته، این است که یک اثر هنری با چه ویژگی‌هایی باید خلق شود که بتوان بر آن نام هنر اسلامی گذاشت؟ نیز با توجه به تحولات عدیده در ایجاد سبک‌های هنری، هنرهای جدید، به خدمت گرفتن فناوری در تولید اثر هنری و مانند آنها، جایگاه هنر اسلامی کجاست؟ به این امر، به ویژه در جامعه امروز ما که به دنبال رونق ارزشهای اسلامی در جهان امروز است، عنایت فراوان شده و به دنبال آن‌اند تا در تقابل نگرشهای دور و گاه مقابل دین در مکاتب هنری امروز، جای پای محکمی برای هنر اسلامی باز کنند. برای درک این رویکرد، به نظریاتی از برخی پژوهشگران در باره انتظار در ساحت خلق امروزین هنر اسلامی پرداخته می‌شود.

مظلومی (۱۳۶۰: ۵۲-۶۱) رضایت و قرب به خدا و برآورده کردن اهداف دین را شروط پذیرش آثار گذشته به عنوان هنر اسلامی دانسته و از هنرمند مسلمان امروزی می‌خواهد در چارچوب ساخته‌های هنری خود، ایده‌ها و آرمانهای مذهبی و الهی را نمودار سازد و پرده‌ای مصور باشد که در آن نمودهای الهی جلوه‌گر شود و هر کدام از آفرینشهای او القاکننده یک دید مکتبی باشد. وی ضمن اسلامی ندانستن بسیاری از آثار هنری گذشته به دلیل نداشتن هدف جذب مخاطب مسلمان، هنر اسلامی را نظر، تفکر، راه، نشانه، رابطه، عامل تحریک، مایه نیرو و غیره دانسته و معتقد است اگر اثر هنری بتواند کشش معنوی و توجه به اسلام را در بر داشته باشد، هنر اسلامی است. نجیب اوغلو (۱۳۷۹: ۲۱۱) توصیه می‌کند برای خلق آثار هنر اسلامی باید در استعمال قلم، ماهر و در هندسه، عالم شود؛ تاریخ بسیار بداند؛ نیک به حکیمان اقتدا کند؛ موسیقی، طب، آرای حقوقدانان، نجوم و نظریه افلاک را بشناسد. از نظر مددپور (۱۳۸۵: ۲۶۴-۲۶۶)، ویژگی هنر اسلامی این است که پیوسته با روح اسلام سازگاری داشته باشد. وی معتقد است خلق آثار به شیوه‌های سنتی و مدرن در آغاز انقلاب اسلامی و

#### ۶۳۴ ♦ تحلیلی بر تعریف هنر اسلامی و عملکرد آموزشی...

دفاع مقدس، حس و حالی خالصانه داشت. به گفتهٔ مکی نژاد (۱۳۹۶: ۱۴۳-۱۶۰) اگر قرار است اثری هنری در چارچوب باور اسلامی خلق شود، باید مبانی هنرهای سنتی همچون: مرکزگرایی (خداباوری به عنوان قدرت لایزال)، تقارن، هندسه، تکرار، طرحها و نقوش را رعایت کند. کمالی زاده (۱۳۹۶: ۱۶۵-۱۸۵) نیز برای نقشهٔ راه هنرمند مسلمان، زیبایی و حقیقت، زیبایی و عشق، عشق و هنر، لذت و خیر، زیبایی در ادراک، معرفت‌شناسی، تخیل و خیال، خلاقیت، خیال، شهود، رمز و نماد را لازم می‌داند. آیت‌الهی (۱۳۸۳/الف: ۲۲۶) با ارائهٔ همین رویکرد، ضمن تأیید عبارت «هنر اسلامی»، لازمهٔ وجود آن را ویژگی منبعث از اسلام دانسته و در مقابل این پرسش که امروزه برای خلق آثار هنر اسلامی چه چارچوبهایی را باید در نظر گرفت، از عبارت «هنرهای تجسمی اسلامی»، شامل طراحی، نقاشی، گرافیک، سینما، پیکره‌سازی و معماری نام می‌برد و با ویژه دانستن مذهب شیعه به دلیل وجود مرجعیت و فقاقت در زمان غیبت و ارائهٔ طریق در زمینهٔ هنر، بر توجه به این مباحث تأکید می‌کند. ایمانی (۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۳۶) در وصف گذشته و امروز معماری اسلامی، مرتبهٔ نخست را توصیف آثار، مرتبهٔ دوم را تفسیر بر بنیادهای نظری و وام‌گیری از هنر مقدس و سنت و مرتبهٔ سوم را شناخت اصول طراحی برای جستجوی معماری مطلوب دانسته و معتقد است مرتبهٔ سوم به دنبال درنوردیدن وضعیت امروزی معماری در دنیای معاصر است که به دنبال تحولات شگرف فناوری در غرب و دیکته کردن آن در سایر کشورها منجر شده و سالهاست که از طریق مجامع علمی در جهان، به دنبال طراحی و ساخت بناهایی در جوامع اسلامی‌اند که ضمن جذب ماهیت پیشین و اصیل، بتواند نیازهای امروزه را برطرف کند.

نظریه‌های مذکور، در کنار منابع فراوان دیگر، حاصل تدبیر در معنای هنر اسلامی برای ترسیم نقشهٔ راه هنرمندان امروزی است و بر آن است تا سویه‌ای روشن در اختیار مدیران و مسئولان امر قرار دهد و بر اساس آن به گسترش هنر اسلامی در دنیای کنونی پرداخته شود. اما برداشت امروزی جامعهٔ دانشگاهی و فرهنگی کشور از هنر اسلامی چیست و تا چه میزان از این نظریات تأثیر گرفته است؟ هنر اسلامی امروزه چه رشته‌هایی را شامل می‌شود؟ بر چه اصول و پایه‌هایی متکی است؟ سرنوشت و جایگاه هنرهای جدید که از دامان فناوری و تفکرات غرب، سر برآورده‌اند، چیست؟ آیا هنر اسلامی همان صنایع دستی و هنرهای سنتی گذشته است و هنرهای جدید در این مجموعه جایگاهی ندارند؟ در ادامه به کاربرد عبارت هنر اسلامی در جامعه امروز ایران پرداخته می‌شود.



### ۳. کاربرد عبارت هنر اسلامی در جامعه امروز ایران

تعاریف مطرح شده در بخش قبل، دیدگاههای متنوع اندیشمندانی است که برای خلق اثر در حوزه هنر اسلامی ارائه شده است. از مهم ترین و روشن ترین محورهای آن مباحث می توان به اخلاق مدارای، رونق ارزشهای اسلامی و رضای خدا در خلق اثر، بدون محدودیت نوع رشته هنری و منحصر نداشتن نوع مواد و مصالح و ابزار و غیره دانست. با این وصف، باید دید آیا در جامعه امروز ایران، میان معنا و مضمون «هنر اسلامی» تا کارکرد آموزشی و پژوهشی هنر اسلامی ارتباطی هست؟ می توان وضعیت هنر اسلامی را در فضای هنری و آموزشی اکنون جامعه به ترتیب ذیل برشمرد:

**خلق تقلیدوارانه آثار منبعث از هنرهای اسلامی گذشته:** امروزه بعضی هنرمندان بدون آنکه تغییری در سنتهای هنری گذشته ایجاد کنند، به خلق آثار هنری مشغول اند. اگرچه اهداف و دلایلی چند بر این نوع تولید حکمفرماست، اما اعتقاد آنها بر این است که احیای هنرهای اسلامی گذشته در جامعه امروزی، مهم ترین روش پاسداشت حریم آن است که باید در تقابل با هنرهای امروزی منبعث از غرب، حفظ و حراست شود. برای نمونه، حسین بهزاد، از نگارگران معاصر، با تاسی از هنر دوره صفویه، ابتدا به کار کپی سازی آثار نگارگران گذشته به ویژه رضا عباسی و کمال الدین بهزاد به صورتی دقیق و ماهرانه پرداخت که سبب سفارش و خرید فراوان آثار وی شد. در آثار حسین بهزاد، به سبک نگارگران قدیم، تنوع رنگی، درخشندگی رنگها و یکسانی نور مشاهده می شود (طاهریان و حسونند، ۱۳۹۸: ۵۵-۴۹؛ رجبی و زارع زاده، ۱۳۹۹: ۲۸-۲۵). محمدعلی زاویه از هنرمندان نگارگر معاصر نیز طی مصاحبه ای اذعان کرده «تابلوهای معروف هفت گنبد و شکارگاه را مطابق شیوه صفویه نقاشی کرده است». (زاویه، ۱۳۶۷: ۳۹-۳۸)

**خلق آثار هنرهای اسلامی با رویکردها، نقوش و موضوعات جدید:** هم نواشدن هنرهای اسلامی با تحولات روز، ویژگی تاریخی این گونه تولیدات است. از این دیدگاه، هنرمندانی هستند که به تولید محصولات و خلق آثار هنرهای اسلامی گذشته پایبندند، اما با بهره گیری از شیوه ها، نقوش، طرحها، کارکردها و گاهی اندیشه های امروزی، آثار خود را تولید می کنند. برای نمونه، رسام عرب زاده، طراح و بافنده معروف فرش دستباف در دوره معاصر، برای رونق بازار فرش ایران، طرحهای غیر سنتی معروف به «نقش غلط» را ابداع کرد که به سبب خروج از چارچوب نقشهای سنتی، مورد نقد فراوان نیز واقع شد. همچنین با در هم ریختن حاشیه متعارف فرش، استفاده از آنها را در وسط و سایر قسمتهای فرش مرسوم کرد

و با به کارگیری گره آویز، که خود مجموعه چهار گره است و به جای یک گره در فرش به کار می‌رود، بافت طرحهای تصویری، به ویژه چهره را در فرشهای درشت‌باف ممکن ساخت و نقاشی مدرن را جایگزین طرحهای سنتی قالی کرد. (رسام عرب‌زاده و عطارزاده، ۱۳۹۳: ۷۲۹-۷۳۱)

**برگزاری همایشها، نمایشگاهها و موزه‌هایی با نام و نشان هنر اسلامی:** در چنین مکانها و محافلی، که به صورت مستمر در ایران و سایر کشورهای مسلمان و گاهی غیر مسلمان برگزار می‌شود، صرفاً آثاری به نمایش درمی‌آید که سابقه تاریخی و سنتی دارند و از بطن هنرهای گذشته بیرون آمده‌اند. در این فضاها، خبری از هنرهای دوره جدید نیست و هر چه هست، استمرار هنرهایی است که ریشه تاریخی دارند. برای نمونه، اولین همایش هنر اسلامی در سال ۱۳۸۲ توسط دانشگاه تربیت مدرس و فرهنگستان هنر برگزار شد. نتیجه این همایش، انتشار کتابی با ۱۷ مقاله و ۴۷ چکیده مقاله بود که تمامی آنها مباحثی چون معماری سنتی، صنایع دستی، هنرهای سنتی و مطالعات حکمی و نظری هنر اسلامی را تشکیل می‌دادند. (خزایی، ۱۳۸۲)

**تأسیس رشته‌های دانشگاهی و دانشکده‌ها و حتی دانشگاهها با نام هنر اسلامی:** به دنبال توجه بیش از پیش به هنر اسلامی و تلاش برای ایجاد و رونق فضایی برای خلق آثار هنر اسلامی، طی چند دهه اخیر، رشته‌های با عنوان هنر اسلامی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ایجاد شد. اقبال دانشگاهها و جوانان برای تنفس در فضای هنر اسلامی، به تأسیس دانشکده‌ها و سپس دانشگاههایی با نام هنر اسلامی منجر شد. عناوین و شرح دروس این رشته‌ها، کاملاً مبنای سنتی دارد و رشته‌هایی را در بر می‌گیرد که در تاریخ هنرهای اسلامی حضوری مؤثر داشته‌اند. برای نمونه، سرفصل درسی مقطع کارشناسی هنر اسلامی، مصوب پانصد و چهل و نهمین جلسه شورای گسترش آموزش عالی مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۸، پس از واحدهای عمومی و پایه، پنج گرایش در رشته‌های سفالگری، فلزکاری، هنرهای چوبی، شیشه‌گری و نگارگری ایجاد کرده است. با ازدیاد داوطلب در این رشته و توجه وافر به هنرهای سنتی، گرایشهای مذکور بازنگری و هر کدام جداگانه به رشته‌ای مستقل تبدیل شد؛ از جمله «رشته هنر اسلامی با گرایش چوب»، با شماره ۵۵۹ و بر اساس مصوبه شورای گسترش آموزش عالی مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۸ و با گرایشهای شیشه، فلز و نگارگری به صورت مستقل با شماره ۵۵۹ و مصوبه شورای مذکور. این راه‌اندازی‌ها در رشته هنر اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته، بر اساس مصوبه شماره ۱۱۱۹ شورای گسترش آموزش عالی مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ با رشته گرایشهای هنرهای چوبی، کتابت و نگارگری، مطالعات نظری،

مطالعات تاریخی و مانند آنها ادامه یافت که بر اساس سرفصلهای موجود، همگی تداوم هنرهای سنتی است. این موضوع حتی در ارتباط با مقطع دکترای تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی که در ششصد و چهل و سومین جلسه شورای گسترش آموزش عالی مورخ ۱۳۸۶/۴/۳۰ به تصویب رسیده نیز صدق می‌کند. بر اساس سرفصل این رشته، دروس اصلی آن شامل تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنرها از آغاز تا دوره معاصر؛ تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنرهای جهان اسلام؛ بررسی و نقد هنرهای اسلامی معاصر و تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی ایران است که با وجود شرح کوتاه دروس، منابع معرفی شده برای هر کدام از دروس مذکور، قریب به اتفاق درباره معماری و هنرهای سنتی و صنایع دستی یا همان بعد تاریخی هنر اسلامی است. (سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فهرست کامل رشته‌ها، ۱۴۰۰)<sup>۱</sup>

#### ۴. بحث و تحلیل

با بررسی و مطالعه بازخورد هنر اسلامی در جامعه امروز ایران، این باور در ذهن تقویت می‌شود که منظور از هنر اسلامی همان هنرهای سنتی و صنایع دستی است. به عبارت دیگر؛ نوع نگرش امروزی جامعه و دست‌اندرکاران و نهادهای رسمی آموزش و راهبرد هنر در کشور به هنر اسلامی، همان هنرهای سنتی و صنایع دستی است؛ با این تفاوت که در دوره جدید تولید شده‌اند! آیا این نوع نگرش درست است؟ آیا نظریات و دیدگاههای متنوع در خصوص هنر اسلامی، این ایده را در ذهن می‌پروراند؟ آیا نگاه امروز به هنر اسلامی منطبق با اهداف و انگیزه‌های آن است؟ آیا این دیدگاه می‌تواند در جهان امروز با این همه تنوع در رشته‌های هنری و در مواجهه با هنرهای مدرن موفق باشد و مسیر تعالی خود را طی کند؟ در این خصوص، دقت و تعمق در نکات ذیل ضروری می‌نماید:

نخست اینکه، اگر بر اساس شیوه گزینش آثار در موزه‌ها، که بر «تعریف تاریخی» استوار است، منظور از اسلامی، دوره اسلامی باشد؛ که باید همه آثار هنری امروز و حتی هنرهای مدرن هم مورد نمایش و توجه قرار گیرند؛ چون در سرزمین اسلامی و در دوره اسلامی تهیه شده‌اند. آیا واقعاً عبارت هنر اسلامی در دنیای امروز هنر، صرفاً آوردن مترادفی برای هنرهای سنتی است؟ یا چه بسا اهداف و انگیزه‌های دیگری پشت این واژگان قرار دارند؟ دوم اینکه، تفاوت امروزی عنوان هنر اسلامی با سایر هنرها زمانی بیشتر آشکار می‌شود که در کنار نمایشگاههایی با عنوان هنر اسلامی، نمایشگاههای دیگری با نام و نشانهای جدید، که همگی

1. <https://www.msrt.ir/fa/grid/283>

برگرفته از نامگذاری‌های غربی است، برگزار شوند که همگی آنها به صورت معمول با سبکها، روشها، مواد، مصالح و ابزار مدرن امروزی تهیه شده‌اند. با این وصف، به نظر می‌آید چنین نمایشگاههایی نقطه‌مقابل نمایشگاههایی با نام هنر اسلامی است و چنین هنرهای امروزی، ارتباطی با هنرهای اسلامی ندارند. آیا واقعاً چنین است؟ با این رویکرد، پرسشهای ذیل مطرح می‌شود:

- آیا از هنرهایی مانند سفال‌گری، نگارگری، تذهیب، نقاشی پشت و روی شیشه، نقاشی رنگ روغن، لاک‌کاری، همجوشی شیشه، پوشاک، جواهرات، مینای شیشه و غیره که مربوط به گذشته است و در موزه‌های با نام دوران اسلامی به نمایش درآمده‌اند، هیچ‌کدام از مغان غرب و کشورهای دیگر نبوده است؟ یا اینکه صرفاً به دلیل تولید و بهره‌برداری از آنها در ایران، با نام دوره اسلامی به نمایش درآمده‌اند؟

- آیا در سده‌های آینده، در موزه‌های با نام اسلامی، تمامی آثار موجود در دوره گذشته همچون نقاشی، گرافیک، طراحی صنعتی، سینما و مانند آنها، با این دیدگاه که در دوره اسلامی و در سرزمین اسلامی تهیه و خلق شده‌اند، به نمایش گذاشته نمی‌شوند؟

- امروزه با رویکرد اسلامی کردن هنر، هنرمندان نوگرا و فعال در رشته‌های هنری جدید، بسیاری از آثار هنری خود را با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی خلق کرده‌اند؛ مانند انواع فیلمهای سینمایی، مجموعه‌های تلویزیونی، انیمیشن‌ها و نقاشی‌هایی با سبکهای مدرن، آثار گرافیکی، تئاترهای با محتوای اسلامی و غیره. آیا این آثار جایی در نمایشگاه یا موزه اسلامی ندارند؟ بنی‌اردلان (۱۳۸۳: ۴۷-۴۸) در پاسخ به این پرسش که آیا هنر دینی لزوماً ابزار و فنون قدیمی را می‌طلبد؛ چنین فرضی را بی‌معنا دانسته و معتقد است روال طبیعی این است که طرز زندگی و ابزاری که مردمان به کار می‌برند، پیوسته دگرگون شود. هر چیزی باید مطابق مقتضیات زمانه ظهور یابد. معنا ندارد که برای ساخت یک مسجد امروزی به دنبال مصالح هزار سال پیش باشیم. اشتباه است که بعد از گذشت صدها سال بگوییم می‌خواهیم نقاشی‌ای را مطابق قرن هفتم هجری بکشیم!

رویکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از ابتدای توجه به عنوان «هنر اسلامی» تا کنون، تقریباً بر منوال «تعریف تاریخی» بوده است. ابتدا رشته‌ای کارشناسی با نام هنر اسلامی تأسیس شد که دروس آن با اندکی تفاوت، همان دروس رشته صنایع دستی بود و نشان می‌داد نگرش دست‌اندرکاران آموزش عالی کشور نیز همان نگاه سنتی و بر اساس تعریف تاریخی هنر اسلامی در جامعه است. با توجه وافر به رشته‌های هنرهای سنتی و صنایع دستی و تخصصی‌تر

شدن آنها و تبدیل هر رشته از صنایع دستی به یک رشته مستقل دانشگاهی، مجموعه رشته‌های مذکور در یک دانشکده با عنوان هنر اسلامی جای گرفت. در ادامه مسیر و باز هم با هدف توجه بیش از پیش به مشاغل صنایع دستی و هنرهای سنتی گذشته، تمامی رشته‌های مذکور به چند دانشکده تقسیم و دانشگاهی با عنوان دانشگاه هنر اسلامی پا به عرصه وجود گذاشت. این رویکرد دقیقاً مطابق نگرشهای موجود در جامعه غیر دانشگاهی بود که هنوز هم کمابیش ادامه دارد.

امروزه چنین رویکردهایی در حالی مورد توجه قرار گرفته‌اند و پیشتازی می‌کنند که در جامعه توسط بعضی اندیشمندان مسلمان و دست‌اندرکاران فرهنگی و علمی کشور و حتی جهان اسلام، نگاه به هنر اسلامی با تعاریف جدید قد علم کرده‌اند. نگاهی که درون آن، هر هنری می‌تواند با رعایت اصول دینی به یک هنر اسلامی تبدیل شود. نگاهی که به دنبال تعالی، معنویت و اخلاق منبعث از اسلام در سینما و هنرهای نمایشی است و بر این مبنا برای هنر اسلامی، تعاریف و ویژگی‌های متنوعی ارائه کرده‌اند و راهنمایی اخلاقمند و معنویت‌گرا و خداجویانه پیش پای هنرمندان مسلمان قرار داده‌اند. اگر قرار باشد هنر اسلامی را فقط در هنرهای سنتی و گذشته خودمان ببینیم، پس جایگاه هنرهای مدرن، اگر با مفاهیم اسلامی خلق شوند، کجاست؟ و از چه زمانی قرار است به جمع هنرهای اسلامی بپیوندند؟ به سخن بلخاری (۱۳۸۳: ۳۹)، در هنر اسلامی باید دو بعد مورد توجه باشد: قالب یا فرم و مضمون یا معنا. قالب یا فرم باید بتواند در مکتبهای جدید زیبایی‌شناسی تعریف شود و مؤلفه‌هایی از آنها را به همراه داشته باشد.

اگر بپذیریم که تعریف هنر و در کنار آنها، تعریف هنر اسلامی، صورتی نسبی دارد و وقتی وارد جزئیات می‌شود، چه بسا اختلافات و دیدگاههای متنوعی را ایجاد می‌کند؛ پس رسیدن به این باور که امروزه حتی در ارتباط با هنر اسلامی، اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد، امری طبیعی خواهد بود. امروزه برخی بر این عقیده پا می‌فشارند که هنرهای اسلامی، همان هنرهای سنتی است که تمامی حریم‌های دینی در آن حفظ شده و باید همانها را پاس داشت و تقویت کرد و وقتی به هنرهای مدرن و امروزی می‌رسند، چندان روی خوش نشان نمی‌دهند. در کنار این افراد، این ایده جریان دارد که چون باید با تحولات و پیشرفتهای روز جهان هماهنگ شویم، پذیرفته‌اند که هیچ هنر قدیم و جدید و به‌روزی امکان حذف ندارد، اما باید اصول اخلاقی و بایدها و نبایدها و اخلاق‌گرایی اسلامی در آنها رعایت شود. با این رویکرد می‌بینیم که برای نمونه، قسمت‌های مسئول هنر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

برای پذیرش و دادن مجوز به یک اثر هنری، چارچوبهایی را که منبعث از باورهای اسلامی و اخلاق یک ملت مسلمان است، در نظر گرفته و بر اساس آنها در باره دادن یا ندادن مجوز آن اثر هنری نظر می‌دهند. سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی، در پذیرش آثار هنری برای پخش در تلویزیون یا رادیو، اصولی منبعث از مبانی و مفاهیم اسلامی و اخلاق‌مداری جامعه مسلمان را در نظر می‌گیرد. با این وصف و بر اساس این دیدگاهها، آثار هنری مجوز گرفته، می‌توانند در زمره تعاریف امروزه هنر اسلامی قرار گیرند. پس می‌توان در تقسیم‌بندی هنرهای اسلامی، جایگاه آنها را یافت. به عبارت دیگر؛ اگرچه در دوره‌های مختلف و بنا به الزامات فرهنگی و اجتماعی، ممکن است اصول اخلاقی و چارچوبهای در نظر گرفته شده برای پذیرش یا رد یک اثر هنری کم و زیاد شود و تغییراتی بازتر یا بسته‌تر بپذیرد، اما این نکته برای عموم جامعه قابل پذیرش است که آنچه از آثار هنری در دوره جمهوری اسلامی مجوز پخش و ارائه می‌گیرد، می‌تواند در زمره هنر اسلامی جای بگیرد. برای نیل به گستره معنایی امروزین هنر اسلامی به سخنانی از مقام معظم رهبری در دیدار با شعرا، قصه‌نویسان، فیلمسازان، آهنگسازان، عکاسان و هنرمندان رشته‌های تجسمی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به تاریخ ۱۳۶۸/۸/۲۱ اشاره می‌شود که فرمودند: «شما از کسانی که نمی‌خواهند هنر اسلامی را بفهمند یا به آن اقرار کنند، نباید متأثر بشوید ... هنر زمان، هنری است که در فضای انقلاب و از زمین انقلاب بروید»<sup>۱</sup>. همچنین در باب هنر دینی اشاره کرده‌اند که: «هنر دینی آن است که بتواند معارفی را که همه ادیان - و بیش از همه دین مبین اسلام - به نشر آن در بین انسانها همت گماشته‌اند و جانهای پاکی در راه نشر این حقایق نثار شده است، نشر دهد ... هنر دینی عدالت را در یک جامعه به صورت ارزش معرفی می‌کند ... مثلاً هیچ لزومی ندارد که در محاورات سینمایی یا در تئاتر، نام و یا شکلی که نماد دین است، وجود داشته باشد تا حتماً دینی باشد؛ نه. شما می‌توانید در باب عدالت، رساترین سخن را در هنرهای نمایشی بیاورید. در این صورت به هنر دینی توجه کرده‌اید».(همان)

##### ۵. ارائه روندی به‌روزتر برای گسترش آموزش هنر اسلامی در فضاهای دانشگاهی و هنری کشور

برای رشد و بالندگی هنر اسلامی بر اساس تعاریف اندیشمندان، باید تعریف هنر اسلامی را وراتر و گسترده‌تر از هنرهای سنتی و صنایع دستی دانست و جامعه‌ای نو بر آن پویشاند. محدود کردن هنر اسلامی در دامنه تاریخ و استمرار رشته‌های گذشته با این عنوان، نه تنها

1. <https://farsi.khamenei.ir>

تحولی در این زمینه ایجاد نمی‌کند، بلکه ارتباط هنر اسلامی را با هنرهای بال و پر گرفته امروزی قطع می‌کند. باید همچون گذشته به تنوع در تولید آثار هنری میدان داد و از میان تمامی آنها، به نقل از اندیشمندان مسلمان، آنچه با روح اسلام سازگار است، برگزید و به عنوان هنر اسلامی معرفی کرد؛ خواه محصول نگاه سنتی و هنرهای صناعی باشد، خواه پدیده‌های جدید هنری همچون: سینما، انیمیشن، گرافیک و حتی هنرهای دیجیتالی و مفهومی و غیره. به عبارت دیگر؛ در کنار آموزش هنر و تولید انبوه آثار هنری متناسب با جامعه جهانی، باید شرایطی منبعث از حکمت و مفاهیم اسلامی برای خلق اثر هنر با رویکرد تعریف هنر اسلامی فراهم آورد و گروههای آموزشی، دانشکده‌ها، دانشگاهها، نمایشگاهها، موزه‌ها، جشنواره‌ها را بر اساس آن سامان داد. فضایی که نقاشی در کنار قلمزنی فلز، سینما در کنار نمایشهای آیینی، عکاسی در کنار سفالگری و مانند آنها، اجتماع هنر اسلامی را تشکیل دهند و تفاوت آنها با سایر تولیدات هنری در جامعه این باشد که رویکردهای مفهومی و حکمی هنر اسلامی در این آثار هویداست؛ در حالی که سایر آثاری که در این مجموعه جای نمی‌گیرند، یا رویکرد اسلامی مشخصی ندارند، یا مفاهیمی خلاف ارزشهای دینی دارند، یا برای سیراب کردن طبع حامی و سفارش‌دهنده خلق شده‌اند، یا صرفاً برای اغنای حس زیبایی و لذت بصری و مانند آنها تهیه شده‌اند. همچنان که در گذشته، هنرمندان مسلمان از متحول‌ترین و جدیدترین اختراعات و اکتشافات و صنایع برای خلق اثر هنری خود بهره می‌گرفتند، هنرمندان مسلمان امروزی نیز باید نهایت بهره‌گیری را از فناوری برای رونق هنر اسلامی داشته باشند و همچون گذشته که مدام بر شمار و تنوع رشته‌های هنری افزوده می‌شد، امروزه نیز با خلق هر رشته جدید هنری، آن را به بدنه مجموعه هنر اسلامی بیفزایند و راهی نو برای ابلاغ ارزشهای دینی به راههای قبلی علاوه کنند.

بر پایه همین تغییر کارکرد هنر اسلامی، موسوی گیلانی (۱۳۹۶: ۲۳-۲۷) معتقد است که در تعریف هنر اسلامی باید نخست دیدگاه قرآن و دین اسلام و در گام بعدی، نگرش و رویکردهای مسلمانان را مورد توجه قرار داد و بر اساس آنها قضاوت کرد که کدام آثار هنری در یک کشور اسلامی، در قاب مشخص شده با چارچوبهای دین و مؤمنین، هنر اسلامی است و کدام اثر در مجموعه مذکور جایی ندارد. همچنین به عقیده نصر (۱۳۷۵)، هنرمند ایرانی یا به طور کلی هنرمند صادق و صاحب ذوق مسلمان، کسی است که به جای ارزیابی خویشتن با موازین غربی، تلاش کند شخصیت و هویت هنری خود را که همان سنت و فرهنگ اوست، بازشناسد (همو، ۱۳۸۹). رهنما و همکاران (۱۳۹۹: ۷۲) هنر اسلامی و رابطه آن را با فناوری

در عصر حاضر بررسی کرده و دریافته‌اند که گرچه همواره به نظر می‌رسد فرهنگ و هنر اسلامی باید از منظر عالم معنوی اسلام مورد توجه قرار گیرد؛ اما در دهکده جهانی دوران معاصر که راهیابی فناوری به ساحت تغییرات اجتماعی در همه جوامع به محرکی در نوآوری‌های فرهنگی بدل شده؛ به نگرش تازه‌ای در قلمرو هنر اسلامی نیاز است. رهنورد و رهبرنیا (۱۳۸۵) در موضوع مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی، به این نتیجه رسیده‌اند که ابزار بدوی یا تکنیکهای نوین نمی‌توانند در بیان قدسی آثار هنری تأثیری داشته باشند. گفتمان هنر و فرهنگ اسلامی حتی در جهان تکنولوژیک و در سایه صنعت فرهنگ به عنوان امری والا و نشئت گرفته از دین مقدس و رهایی‌بخش اسلام در فرایند خلق، سعی می‌کند تا نمود وحدت در کثرت هستی و رهایی از غربت و وصول به قربت را در صور هستی سامان دهد و به ارائه معنا و عمق احساس در تجربه‌ای دینی و ایمانی در قالب هنرهای مختلف با فرم جدید کمک کند.

هنر اسلامی در عصر جدید نیز در خدمت صنعت، فرهنگ و سیاست، جایگاه خود را تثبیت کرده و می‌تواند در نقش یک رسانه به تولید فرهنگ متعالی کمک بسیاری کند. بازتاب حقایق معنوی همراه با بیانی زیباشناسانه توسط هنر اسلامی در قلمرو فناوری مدرن می‌تواند در شرایط اجتماعی معاصر، باعث پرورش توانایی‌های روحی بشر شود. با وجود گسترش ارتباطات، با کمک فضاهای دیجیتالی و امکان ایجاد و انتشار آثار هنری با ساختاری نوین و متفاوت از شیوه‌های سنتی و با عنایت به کارکرد رسانه‌ای هنر، پیوند فناوری با هنر اسلامی می‌تواند یک فرصت برای هنرمندان مسلمان تلقی شود. به بیان رهنما و همکاران (۱۳۹۹: ۷۲-۷۶)، حال این وظیفه هنرمند مسلمان است که با وجود سرعت تصاعدی تغییرات در ساحت فرهنگی و اندیشه معاصر و راهیابی مفاهیم زیباشناسی جدید در هنر، در تلاش برای پرورش توانایی‌های روحی انسان بوده و آزادی از دست‌رفته را به او بازگرداند و اجازه ندهد با رشد فزاینده فناوری‌های نوپدید و اثرپذیری هنر اسلامی از آنها، مسخ روحی و روانی بشر عمق بیشتری یابد. در نظر داشته باشیم که به گفته مظلومی (۱۳۶۶)، هنر می‌خواهد انسان را از آنچه طبیعت ندارد، برخوردار سازد و صنعت می‌کوشد تا او را از آنچه طبیعت دارد، برخوردارتر کند.



#### (د) نتیجه گیری

هنر اسلامی در گذر زمان به مجموعه آثاری اطلاق شده که در دوره اسلامی و در سرزمینهای اسلامی پدید آمده‌اند. این روند امروزه در جوامع هنری و دانشگاهی کشور با تغییراتی همراه شده و منظور از هنر اسلامی، بیشتر صنایع دستی و هنرهای سنتی بازمانده از گذشته است. با این رویکرد، سرفصلهای رشته‌های هنر اسلامی در دانشگاههای کشور، شباهت بسیار زیادی با رشته‌های صنایع دستی دارند. با توجه به وجهه تاریخی صنایع دستی که درون آن تمامی آثار هنری یک دوره بررسی و مطالعه می‌شود و تعاریف مفهومی هنر اسلامی که بر معنا تکیه دارد و برای هنر حد و مرز تاریخی قائل نیست، باید در راه‌اندازی رشته هنر اسلامی تغییرات فراوانی صورت گیرد؛ به گونه‌ای که مرزهای هنرهای جدید را درنوردد و مجموعه‌ای بشود از تمامی رشته‌های هنری نوین و سنتی. با این تغییرات، جایگاه هنر اسلامی نسبت به هنرهای سنتی فراتر رفته و علاوه بر گذشته، هنرهای امروزی و حتی آینده را در بر می‌گیرد و فضایی ایجاد می‌کند تا همچون گذشته، بر هر اثر هنری بتوان با دیدگاهی منبعث از اسلام، هنری در راستای معارف و احکام اسلامی خلق کرد.

5-Welsh

### منابع

- آغداشلو، آیدین (۱۳۸۳). «هنر دینی از نگاه صاحب نظران». بیناب، ش ۷: ۱۶-۱۳.
- آیت الهی، حبیب الله (۱۳۸۳/الف). «هنر اسلامی». بیناب، ش ۷: ۲۳۱-۲۲۳.
- آیت الهی، حبیب الله (۱۳۸۳/ب). «هنر دینی از نگاه صاحب نظران». بیناب، ش ۷: ۱۹-۱۶.
- ایتنگهاوزن، ریچارد و الگ گرابار (۱۳۷۸). هنر و معماری اسلامی. ترجمه یعقوب آژند. تهران: سمت.
- احسانی، محمد تقی (۱۳۶۸). جلد‌ها و قلمدانهای ایرانی. تهران: امیر کبیر.
- الرفاعی، انور (۱۳۷۷). تاریخ هنر در سرزمینهای اسلامی. ترجمه عبدالرحیم قنوت. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- ایمانی، نادیه (۱۳۹۶). «مبانی نظری معماری در جهان اسلام». هنر در تمدن اسلامی، مبانی نظری. زیر نظر هادی ربیعی. تهران: سمت.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۳). «هنر دینی از نگاه صاحب نظران». بیناب، ش ۷: ۴۱-۳۹.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۲). «دین باوری و معماری مسلمین». مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی. به اهتمام محمد خزایی. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- بنی اردلان، اسماعیل (۱۳۸۳). «هنر دینی از زبان صاحب نظران». بیناب، ش ۷: ۴۹-۴۱.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۹۳). هنر اسلامی، زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- خزایی، محمد (۱۳۸۲). مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رجبی، زینب و فهیمه زارع زاده (۱۳۹۹). «تحلیل نشانه‌های مضمونی و تصویری در رباعیات خیام و نگاره‌های حسین بهزاد». جلوه هنر، ش ۲۸.
- رسام عرب زاده، ژیلا و عبدالکریم عطارزاده (۱۳۹۳). «رسام عرب زاده، ابوالفتح». دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۹. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- رضوان فر، مرتضی (۱۳۸۵). «صنایع دستی و مدرنیته، تحلیلی مردم‌شناختی از ابعاد نظری صنایع دستی». کتاب ماه هنر، ش ۱۰۰-۹۹: ۷۴-۷۰.
- رهنما، آذر؛ محمدرضا شریف زاده و سید مصطفی مختاباد امرئی (۱۳۹۹). «تبیین تأثیرات اجتماعی تکنولوژی بر هنر اسلامی در عصر جدید بر اساس نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت». مطالعات هنر اسلامی، ش ۴۰: ۷۶-۷۲.
- رهنورد، زهرا و زهرا رهبرنیا (۱۳۸۵). «مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی». هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، ش ۲۶: ۱۰۸-۱۰۱.
- زاویه، محمدعلی (۱۳۶۷). «ساعتی در کنار نقاش چیره دست ایرانی، محمدعلی زاویه». سوره اندیشه، دوره اول، ش ۷.

- طاهریان، الهام و محمد کاظم حسنونند (۱۳۹۸). «بازخوانی نگاره‌های حسین بهزاد با توجه به نظریه هرمونوتیک مدرن گادامر». هنرهای تجسمی، هنرهای زیبا، ش ۷۷.
- عباسیان، میرمحمد (۱۳۷۹). تاریخ سفال و کاشی در ایران. تهران: گوتنبرگ.
- کرمی، محسن (۱۳۹۶). «در باب چیستی هنر اسلامی». فلسفه تحلیلی، ش ۳۲: ۲۰۳-۱۷۹.
- کمالی‌زاده، طاهره (۱۳۹۶). «مبانی حکمی هنر و زیبایی در فلسفه اسلامی». هنر در تمدن اسلامی، مبانی نظری. زیر نظر هادی ربیعی. تهران: سمت.
- مددپور، محمد (۱۳۸۵). حقیقت و هنر دینی. تهران: سوره مهر.
- مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۰). «هنر اسلامی: احیای معرفت گمشده از دست‌رفته هنر اسلامی». هنر، ش ۱: ۶۱-۵۲.
- مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۶). روزنه‌ای به باغ بهشت. تهران: جهاد دانشگاهی.
- مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۶). «مبانی نظری هنرهای سنتی در جهان اسلام». هنر در تمدن اسلامی، مبانی نظری. زیر نظر هادی ربیعی. تهران: سمت.
- موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۹۶). «روش‌شناسی شناخت هنر اسلامی». هنر در تمدن اسلامی، مبانی نظری. زیر نظر هادی ربیعی. تهران: سمت.
- نجیب اوغلو، گل‌رو (۱۳۷۹). هندسه و تزئین در معماری اسلامی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۹). «زیباشناسی اسلامی». زیباشناخت، ش ۲۲.
- هیلن‌براند، رابرت (۱۳۸۳). معماری اسلامی، فرم، عملکرد و معنی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی.
- Abbasian, Mir Mohammad (2000). **History of Pottery and Tiles in Iran**. Tehran: Gutenberg.
- Aghdashloo, Aidin (2004). "Religious art from the point of view of experts". *Binab*, 7: 13-16.
- Al-Rifa'i, Anwar (1998). **History of Art in Islamic Lands**. Translated by Abdolrahim Qanawat. Mashhad: Jihad-e Daneshgahi.
- Arian, Qamar (2003). **Kamal-Aldin Behzad**. Tehran: Hirmand.
- Ayatollahi, Habibollah (2004). "Religious art from the point of view of experts". *Binab*, 7: 16-19.
- Ayatollahi, Habibollah (2004). "Islamic Art". *Binab*, 7: 223-231.
- Bani Ardalan, Ismail (2004). "Religious art from the point of view of experts". *Binab*, 7: 41-49.
- Bermanian, Mohammad Reza (2003). "Religion and Architecture of Muslims". In: *Collection of Articles of the First Conference on Islamic Art*. By Mohammad Khazaei. Tehran: Institute of Islamic Art Studies.
- Bolkhari, Hasan (2004). "Religious art from the point of view of experts". *Binab*, 7: 39-41.
- Burkhart, Titus (2014). **Islamic Art, Language and Explanation**. Translated by Masoud Rajab Nia. Tehran: Radio and Television of Islamic Republic of Iran.
- Ehsani, Mohammad Taqi (1989). **Iranian Covers and Pen-Cases**. Tehran: Amirkabir.

- Ettinghausen, Richard & Oleg Grabar (1999). **Islamic Art and Architecture**. Translated by Yaqub Ajhand. Tehran: Samt.
- Hillen brand, Robert (2004). **Islamic Architecture, Form, Function and Meaning**. Tehran: Processing and Planning Company.
- Imani, Nadia (2017). **“Theoretical foundations of architecture in the Islamic world”**. *The Collection of Art in Islamic Civilization*. Under the supervision of Hadi Rabiee. Tehran: Samt.
- Kamalizadeh, Tahereh (2017). **“Incorporeal foundations of art and beauty in Islamic philosophy”**. *In the Collection of art in Islamic civilization, theoretical foundations*. Under the supervision of Hadi Rabiee. Tehran: Samt.
- Karami, Mohsen (2017). **“On what is Islamic art”**. *Analytical Philosophy*, 32: 179-203.
- Khazaei, Mohammad (2003). **The Collection of Articles of the First Conference on Islamic Art**. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Madadpoor, Mohammad (2006). **Truth and Religious Art**. Tehran: Soore Mehr.
- Makkinejad, Mehdi (2017). **“Theoretical foundations of traditional arts in the Islamic world”**. In: *Collection of art in Islamic civilization, theoretical foundations*. Under the supervision of Hadi Rabiee. Tehran: Samt.
- Mazloomi, Rajabali (1987). **A Window to the Paradise**. Tehran: Jihad-e Daneshgahi.
- Mazloomi, Rajabali (1981). **“Islamic Art: Reviving the Lost Knowledge of Lost Islamic Art”**. *Art Magazine*, No. 1: 52-61.
- Moosavi Gilani, Seyed Razi (2017). **“Methodology of understanding Islamic art”**. In: *Art in Islamic civilization*. Under the supervision of Hadi Rabiee. Tehran: Samt.
- Najiboglu, Golroo (2000). **Geometry and Decoration in Islamic Architecture**. Translated by Mehrdad Qayyumi Bidhendi. Tehran: Rozaneh.
- Nasr, Seyed Hossein (2010). **“Islamic Aesthetics”**. *Ziba Shenakht*, No. 22.
- Nasr, Seyed Hossein (1996). **Islamic Art and Spirituality**. Tehran: Office of Religious Studies of Art.
- Rahnama, Azar; Mohammad Reza Sharifzadeh & Seyed Mostafa Mokhtabad Amrei (2020). **“Explaining the Social Impacts of Technology on Islamic Art in the New Age Based on the Critical Theory of the Frankfurt School”**. *Islamic Art Studies*, 40: 72-76.
- Rahnavaard, Zahra & Zahra Rahbarnia (2006). **“Confront Holy Art to Technology”**. *Fine Arts, Architecture and Urbanism*, 26: 101-108.
- Rajabi, Zeinab & Fahimeh Zarezadeh (2020). **“Analysis of pictorial and Subject signs in Khayyam's quatrains and paintings by Hossein Behzad”**. *Jelveh Honar*, No. 28.
- Rassam Arabzadeh, Jila & Abdolkarim Attarzadeh (2014). **“Rassam Arabzadeh, Abolfath”**. *Encyclopedia of the Islamic World, Vol: 19*. Under the supervision of Gholam Ali Haddad Adel. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Rezvanfar, Morteza (2006). **“Handicrafts and Modernity, an Anthropological Analysis of Theoretical Dimensions of Handicrafts”**. *Ketab-e Mahe-e Honar*, 99-100: 70-74.
- Taherian, Elham & Mohammad Kazem Hassanvand (2019). **“Re-reading the paintings of Hossein Behzad according to Gadamer's modern hermeneutic theory”**. *Visual Arts, Fine Arts*, No. 77.
- Zavieh, Mohammad Ali (1988). **“An hour with the master Iranian painter, Mohammad Ali Zavieh”**. *Soore Andisheh*, Vol: 1, No. 7.